

پیش تحولات و آسیب های فرهنگ - اجتماعے

«زندگے مجردی» و «هم خانگے»، ره آورد سبک زندگے غربے برای جوانان ایرانے



پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جگہ علوم انسانی



مقدمه

یکی از مقولات مهم فرهنگی که مدتی است در میان صاحب‌نظران اجتماعی جا باز کرده و بسیار مورد توجه آنها قرار گرفته است، «سبک زندگی» است. در دنیای امروز نیز «سبک زندگی» از جمله مفاهیمی است که بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد. جست‌وجویی ساده در موتورهای جست‌وجوی اینترنتی نشان می‌دهد که این مفهوم تا چه حد عمومیت دارد و در چه زمینه گسترده‌ای از آن استفاده می‌شود.

آنچه از مفهوم سبک زندگی اراده و برداشت می‌شود در واقع شیوه زندگی خاص یک فرد، گروه، یا جامعه است. سبک‌های زندگی، مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها، شیوه‌های رفتار، حالت‌ها و سلیقه‌ها در هر چیزی را در بر می‌گیرد. غالباً مجموعه عناصر سبک زندگی در یک‌جا جمع می‌شوند و افراد در یک سبک زندگی مشترک می‌شوند. به نوعی گروه‌های اجتماعی مانند یک جامعه، اغلب مالک یک نوع سبک زندگی شده، یک سبک خاص را تشکیل می‌دهند.

مفاهیمی مانند «سبک زندگی اسلامی» و یا «سبک زندگی غربی» با همین نگرش توجیه‌پذیر است. نکته مهم در این‌باره این است که سبک زندگی هر جامعه با فرهنگ آن جامعه، ارتباط تنگاتنگی دارد. به تعبیر دیگر سبک زندگی هر جامعه، آینه فرهنگ آن جامعه است. نظریه پردازان حوزه‌های فرهنگی بر این باورند که یکی از ابزارهای سلطه بر ملت‌ها، تحمیل سبک زندگی مورد نظر خودی بر آن



ملت است. از همین رو است که رهبر معظم انقلاب بارها نسبت به تهاجم فرهنگی و گرایش به الگوی زندگی غربی هشدار داده و راه مقابله با آن را ترویج سبک زندگی اسلامی دانسته‌اند. ایشان در سخنرانی خود در مهرماه سال گذشته در جمع جوانان استان خراسان شمالی فرمودند: «برای ساختن تمدن نوین اسلامی، بشدت باید از تقلید پرهیز کنیم؛ تقلید از آن کسانی که سعی دارند روش‌های زندگی و سبک و سلوک زندگی را به ملت‌ها تحمیل کنند. امروز مظهر کامل و تنها مظهر این زورگویی و تحمیل، تمدن غربی است.» ایشان همچنین فرمودند: «یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی عبارت است از سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی، شیوه زیستن - اینها عبارت آخرای یکدیگر است.» از این رو توجه به الگوی زیستی جامعه خود و شناخت آسیب‌ها و ضعف‌ها و انحراف‌های آن در روبرویی با سبک زندگی غربی و الگوها و ارزش‌های غیر دینی وارداتی، نوعی مقابله با تهاجم و سلطه نرم دشمن به شمار می‌رود.

۱. زندگی مجردی؛ ره‌آورد زندگی غربی

چند سالی است که دغدغه توجه به دگرگونی سبک زندگی جامعه ایرانی به ویژه نسل جوان به سبک زندگی غیر اسلامی و غربی و جلوگیری از این پدیده آسیب‌زا در میان متولیان و صاحب‌نظران فرهنگی ایجاد شده است. اگرچه برخی منکر این حقیقت هستند؛ برخی دیگر بر آن پای می‌فشارند و اساساً بر این اعتقادند که سال‌هاست خانواده‌های ایرانی بی‌آنکه بدانند سبک زندگی اسلامی و ایرانی وداع کرده و در حال میزبانی از فرهنگ زندگی غربی در تمام جنبه‌های زندگی خود هستند. اینکه موضوع سبک زندگی به چه مقولاتی مرتبط می‌شود و دایره شمول آن تا چه اندازه است، بحثی جداگانه و دراز دامن را می‌خواهد؛ اما آنچه در این نوشتار در پی آن هستیم، بررسی دو جنبه از سبک زندگی غربی است که رفته رفته در میان جوانان ایرانی در حال رخنه کردن است. این دو مصداق، عبارت‌اند از «گرایش به مجرد» و به مقیاسی کمتر، «گرایش به هم‌خانگی». دوری از خانواده و زندگی مجردی اختیار کردن از سنی خاص، به امری عادی و حتی به یک فرهنگ در جوامع غربی تبدیل شده است؛ بگونه‌ای که بسیاری از جوانان (و حتی در پاره‌ای از موارد یک نوجوان در سن ۱۷ سالگی) خانه والدین را ترک کرده، در نقطه‌ای دیگر و یا شهری دیگر زندگی مجردی را برای خود بر می‌گزینند. سال‌ها است که این شیوه برای جوان غربی پذیرفته شده است و برای او نوعی حق تلقی می‌شود. در فرهنگ اسلامی و ایرانی، از دیرباز، این نوع مجرد پیش از ازدواج، برای جوانان و خصوصاً دختران مجرد نه تنها پذیرفتنی نبوده،



بلکه در صورت انجام، نکوهش اطرافیان و دیگران را نیز به همراه داشته است. با این حال متأسفانه چند سالی است که گاه آمار نگران‌کننده‌ای منتشر می‌شود که حکایت از گرایش جوانان به دوری از والدین و زندگی مجردی دارد. پیشتر، این گرایش به طبقه خاصی از پایتخت نشینان محدود می‌شد. اما آخرین آمارها حکایت از آن دارد که این مسئله به دیگر کلان‌شهرها نیز سرایت کرده است، به گونه‌ای که آمار روی آوردن جوانان به زندگی مجردی در هر یک از کلان‌شهرهای تهران، شیراز، مشهد، اصفهان، تبریز و اهواز به ۳۰ درصد رسیده است. گفتنی است که بخشی از آنها را دختران تشکیل می‌دهند و غم‌انگیزتر آنکه روز به روز بر تعداد دختران جوان در این جامعه آماری افزوده می‌شود. بر اساس آخرین سرشماری، ۲۳ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر از جمعیت کشور را جوانان بین ۱۵ تا ۲۹ سال تشکیل می‌دهند که این جمعیت نسبت به سرشماری سال ۸۵، ۴/۵ درصد کاهش یافته است. با وجود تلاش‌های مسئولان و متولیان فرهنگی کشور در راستای حل معضلات فرهنگی مرتبط با جمعیت، کاهش جمعیت جوان کشور و در کنار آن بالارفتن سن ازدواج و گرایش به مجردی، از مهم‌ترین خطرهای آسیب‌های

اجتماعی کشور به شمار می‌روند. در واقع میان این دو معضل، نوعی برهم‌کنشی برقرار شده است زیرا که در جامعه ایرانی با بالا رفتن سن ازدواج، فرد به سمت زندگی مجردی پیش می‌رود و طولانی شدن دوران مجردی و بالا رفتن سن ازدواج نیز باعث می‌شود بسیاری از جوانان، در موقعیتی قرار گیرند که احساس کنند سربار خانواده‌ها هستند و زندگی مجردی و مستقل را بر تشکیل خانواده ترجیح می‌دهند. در دهه ۷۰ شمسی، زندگی مجردی بیشتر از آن دانشجویان غیربومی‌ای بود که دور از شهر خود تحصیل می‌کردند. در آن دوره نگاه بدبینانه‌ای به این نوع افراد وجود داشت به طوری که ساکنان شهرهای میزبان، ورود این دانشجویان را آفتی برای سنت‌های خود می‌پنداشتند؛ اما امروزه و در دهه ۹۰ شمسی، مجردی زیستن نمونه‌های تازه‌ای پیدا کرده است و تنها به دانشجویان غیربومی محدود نمی‌شود؛ بلکه افرادی هستند که در شهر و زادگاه خود جدا از خانواده و به صورت مجردی زندگی می‌کنند. میانگین سنی این افراد نیز ۳۰ سال است.

آمار نگران‌کننده جوانان مجرد، نوعی هشدار برای خانواده‌ها محسوب می‌شود، زیرا این خانواده است که خواسته یا ناخواسته زمینه را برای زندگی مجردی فرزندش فراهم می‌کند. در این میان افرادی نیز یافت می‌شوند که با وجود متأهل بودن، برای رسیدن به بعضی امیال خود خانه‌ای مجردی نیز در اختیار می‌گیرند. به هر حال روند رو به رشد گرایش جوانان به زندگی مجردی، زنگ خطر را برای متولیان فرهنگی کشور به صدا در آورده است. در این میان برخی نیز از شرایط به وجود آمده، بد استفاده کرده، در پی آن هستند تا از آب گل‌آلود ماهی بگیرند.

برای نمونه مشاهده می‌شود که برخی صاحبخانه‌ها

با
وجود تلاش‌های
مسئولان و متولیان فرهنگی
کشور در راستای حل معضلات
فرهنگی مرتبط با جمعیت، کاهش
جمعیت جوان کشور و در کنار آن
بالارفتن سن ازدواج و گرایش به
تجرد، از مهم‌ترین خطرها و
آسیب‌های اجتماعی کشور به
شمار می‌روند.

یکی
از دلایل تمایل جوانان
به داشتن زندگی مجردی،
نداشتن فضایی برای انجام کارهای
مورد علاقه خویش است. مساحت
و فضای فیزیکی خانه‌ها در گذشته
به گونه‌ای بود که دختران و پسران
با رسیدن به سن بلوغ، فضای
مستقلی در اختیارشان قرار
می‌گرفت.

۲. برخی از مهم‌ترین عوامل گرایش به تجرد الف. استقلال مالی

یکی از پیش‌شرط‌های گرایش به زندگی مجردی، استقلال مالی است. امروزه افزایش اشتغال جوانان و نیز زنان که از زمینه‌های توسعه و مدرن شدن هر جامعه‌ای است، باعث شده است آنها از نظر مالی به استقلال رسیده و این موضوع سبب شده است تا برخی این استقلال را در سایر زمینه‌ها نیز خواستار باشند. اولین گام استقلال‌خواهی این افراد، رها شدن از سلطه خانواده است.

ب. تأثیرپذیری از برنامه‌های ماهواره‌ای

بدون شک برنامه‌های ماهواره‌ای و فیلم‌های ویران‌کننده غربی به ویژه هالیوودی، نقش مهمی در سوق دادن جوانان به این الگو از زندگی دارند. این شبکه‌ها که رسالت خود را ترویج سبک زندگی غربی می‌دانند، با پرداختن به این امر در پوشش آثار رسانه‌ای جذاب و تأثیرگذار، نقش مهمی در تباهی ذهن‌های جوانان دارند. در بسیاری از این آثار، مستقیم و غیرمستقیم مخاطب جوان را به تلاش برای استقلال‌یابی از راه دوری از والدین و مجرد زیستن تشویق می‌کنند.

ج. محرومیت از فضای مستقل

یکی از دلایل تمایل جوانان به داشتن زندگی مجردی، نداشتن فضایی برای انجام کارهای مورد علاقه خویش است. مساحت و فضای فیزیکی خانه‌ها در گذشته به گونه‌ای بود که دختران و پسران با رسیدن به سن بلوغ، فضای مستقلی در اختیارشان قرار می‌گرفت. در آن فضا جوان درس می‌خواند، به کارهای شخصی‌اش می‌رسید و در کل، هر کاری را که مورد علاقه‌اش بود انجام می‌داد. اما امروزه مساحت خانه‌ها به آپارتمانهای ۵۰ تا ۱۰۰ متری کاهش یافته، بسیاری از افراد در اوج جوانی، از نبود فضایی برای تفکر و

خانه خود را تنها به فرد مجرد اجاره می‌دهند و یا اینکه برخی از بنگاه‌های املاک تنها در پی یافتن مشتری مجرد و ترجیحاً خانم برای خانه‌های خالی هستند.

مدتی پیش یکی از خبرگزاری‌های داخلی برای پیگیری این ماجرا، گزارشی از آژانس‌های املاک در شمال تهران تهیه کرده و از قول صاحب یک آژانس مسکن آورده بود: «بیشتر متقاضیان ما برای خانه مجردی جوانان هستند؛ در حالی که در گذشته بیشتر مردها مشتری ما بودند، اما الان خانم‌ها از مردها پیشی گرفتند. مردهایی را می‌شناسیم که به دور از چشم همسرانشان، برای دوستان خود آپارتمان اجاره کرده، زندگی مجردی اختیار می‌کنند و برای این امر هزینه‌های زیادی را می‌پردازند. فرد دیگری گفته است: «در همین محله، دخترها و پسرهای جوان و پولداری را می‌شناسم که در روز فقط چند ساعت در آپارتمان اجاره‌ای خود هستند؛ در واقع برای خوشگذرانی و راحت بودن، حاضرند بالای ۳۰ میلیون تومان ودیعه و ۵۰۰ هزار تومان اجاره بدهند.» بدون شک نخستین پیامدهای ناخوشایند این واقعیت به خود خانواده باز می‌گردد؛ زیرا اگر تا دیروز، والدین نگران تنهایی خود در دوران پیری بودند اما امروز این نگرانی رنگ دیگری به خود گرفته است و آنها باز هم نگران تنها ماندن خود هستند؛ اما این بار در دوران میان‌سالی و در خانه‌های خود. همین نگرانی باعث شده است تا خانواده‌ها از حرف زدن درباره حس استقلال طلبی و آزادی فرزندان خود هراسان باشند. این حس اگر چه از موهبت‌های الهی برای انسان به شمار می‌رود، اما از آنجا که همراه با گرایش فرزندان به زندگی مجردی است برای خانواده‌ها ترسناک شده است.

آرامش در خانه گله می‌کنند. همین مسئله ذهن آنها را به سمت ایده داشتن خانه‌ای مستقل در حال تجرد سوق می‌دهد.

د. افزایش سن ازدواج

با وجود تلاش‌های مسئولان و ارائه مشوق‌های گوناگون برای افزایش میزان ازدواج، همان‌طور که پیشتر ذکر شد، یکی از معضلات کنونی کشور، افزایش سن ازدواج است؛ امری که باعث می‌شود جوانان احساس کنند سربار خانواده‌های خود هستند؛ به همین دلیل است که به زندگی مجردی روی می‌آورند.

هد ناسازگاری والدین

بی‌شک اگر فضای خانه برای یک جوان، فضایی پر از صفا و آرامش باشد، احتمال این که او به دوری از والدین و زندگی مجردی گرایش پیدا کند درصد کمتری خواهد داشت؛ اما فضای تنش‌آلود میان والدین و نداشتن آرامش روانی در خانه، جوان امروزی را به شدت آماده ترک خانه و زندگی دور از والدین می‌کشد.

۲. هم‌خانگی، پیامد زندگی مجردی

یکی از رویدادهایی که به عنوان نتیجه ناخواسته زندگی مجردی (چه همیشگی و چه گذرا) به شمار می‌رود، پدیده هم‌خانگی است. هم‌خانگی رخدادی یکسره وارداتی است و به هیچ وجه با آموزه‌های دینی و فرهنگی جامعه ایرانی همخوانی ندارد. در این پدیده، دختر و پسر و با زن و مرد مجرد به عنوان هم‌خانه با یکدیگر زندگی می‌کنند؛ بی‌آنکه میان آنها پیوند زن و شوهری باشد. در دنیای غرب، با توجه به تغییر سبک زندگی و در کنار آن، افزایش فشارهای اقتصادی، به طور کلی میل به ازدواج شرعی و رسمی کاهش یافته و روابط، بیشتر بر پایه ارضای غرایز و آزمایش گونه شکل می‌گیرد. در پی آن، تولد



طبق آمارهای سال ۲۰۱۰، بیش از ۷ میلیون زوج (۱۴ میلیون نفر) در آمریکا در قالب هم‌خانگی با یکدیگر زندگی می‌کنند. همچنین پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بیش از نیمی از زنان در آمریکا پیش از ازدواج رابطه هم‌خانگی را با همسر کنونی خود تجربه کرده بودند. به طور کلی، در بسیاری از کشورها، ازدواج در حال سست شدن و هم‌خانگی در حال نیرومند شدن است. به طور مثال، شاخص‌ها در کانادا کاهش شدید میزان ازدواج در چند دهه اخیر را نشان می‌دهند. در این کشور، میزان ازدواج زنان تا ۵۰ سالگی، از بالای ۹۵ درصد در سال ۱۹۶۵ به کمتر از ۶۰ درصد در سال ۲۰۰۳ رسیده است.

در مقابل، میزان هم‌خانگی در کانادا، رشدی ۳۳۰ درصدی را نشان می‌دهد و از ۱۵ درصد در اواخر دهه ۱۹۶۰ به نزدیک ۵۰ درصد در سال ۲۰۰۰ رسیده است. این تغییرات، به آمریکای شمالی و اقیانوسیه محدود نمانده و اروپا نیز روندهای مشابهی از آن را تجربه کرده است. هر چند هم‌خانگی در اروپا پدیده جدیدی نیست و پیش از انقلاب جنسی دهه ۱۹۶۰ نیز به علت‌های گوناگون در برخی جوامع اروپایی یافت می‌شد، با این حال در آن زمان، کاری غیرقانونی، مشمول مجازات و نادر بود. در این بین، سونامی هم‌خانگی و تغییرات الگوی خانواده، هر چند دیرتر، ولی به کشورهای شرقی نیز رسیده است. فرآیند جهانی شدن، گسترش سرمایه‌داری و اشاعه فرهنگی ارزش‌های مناطق دیگر، هم‌خانگی را به آسیا نیز کشاند. برای مثال آمارها نشان می‌دهند که هم‌خانگی در ژاپن در سال‌های اخیر افزایش یافته است، اما در ژاپن، هم‌خانگی‌ها معمولاً کوتاه‌مدت و مقدمه‌ای برای ازدواج است. در دوره‌های آغاز پیدایش هم‌خانگی، غالباً افراد فقیر، که توانایی ازدواج نداشتند، وارد

فرزندان نامشروع نیز افزایش چشمگیری یافته است. در غرب معمولاً این پدیده را این‌گونه توصیف می‌کنند که دو هم‌خانه، اغلب افرادی شاغل و با تحصیلات دانشگاهی و تفکراتی روشن‌فکرانه‌اند که معمولاً به بهانه تجربه زندگی مجردی و مستقل، از خانه پدری بیرون آمده‌اند و گاه بدون آنکه والدین را از ماجرا باخبر کنند، به زندگی مشترک با یکدیگر روی آورده‌اند. برای اثبات این امر که ظهور و بروز پدیده هم‌خانگی در میان جامعه ایرانی، برگرفته از فرهنگ و سبک زندگی غربی است، به ناچار باید به برخی از آمارها و نتایج پژوهش‌های انجام شده در این زمینه در غرب اشاره کنیم:

به طور مثال در آمریکا، در دهه ۱۹۷۰، نزدیک به ۴۰۰ هزار زوج در قالب الگوهای هم‌خانگی زندگی می‌کردند. این در حالی است که بر

این گونه روابط می‌شدند و مشکلات اقتصادی یکی از مهم‌ترین علت‌های شکل‌گیری آن بود. عده‌ای دیگر نیز به سبب مشکلات بعد از جدایی یا مرگ شریک زندگی خود وارد این روابط می‌شدند. بعد از جنگ جهانی دوم، در آلمان، زنان میانسال بعد از طلاق یا مرگ شریک زندگی خود، معمولاً هم‌خانگی را به ازدواج مجدد ترجیح می‌دادند، چون نمی‌خواستند حقوق دوران بیوگی آنها که از سوی دولت پرداخت می‌شد، قطع شود. امروزه در یازده کشور اروپایی از هم‌خانگی، به مثابه یک رابطه قانونی حمایت می‌شود. می‌توان گفت گسترش هم‌خانگی در کشورهای غربی، به مثابه شکل جدیدی از خانواده، مهم‌ترین تغییر در الگوهای خانواده در ۵۰ سال اخیر بوده است. امروزه در غرب، معمولاً از دو نوع عمده هم‌خانگی یاد می‌شود: «هم‌خانگی پیش از ازدواج» و «هم‌خانگی بدون ازدواج». در الگوی اول، هم‌خانگی، بیش‌تر مرحله‌ای مقدماتی و آزمایشی برای رسیدن به ازدواجی بهتر است؛ اما در الگوی دوم، هم‌خانگی اساساً ازدواج را به حاشیه رانده است. هم‌خانگی پیش از ازدواج به تأخیر ازدواج‌ها می‌انجامد و هم‌خانگی بدون ازدواج به انکار ازدواج ختم می‌شود. برخی افراد برای پر کردن خلأ ازدواج، به روابطی گذرا و عاشقانه روی می‌آورند، اما روابط عاشقانه در الگوهای پیشرفته، خود به روابط هم‌خانگی منجر می‌شود. این الگوی جدید تمام و یزگی‌های الگوی رابطه دوستی عاطفی را دارد، با این تفاوت که این افراد با یکدیگر زندگی زیر یک سقف را نیز تجربه می‌کنند و زندگی اقتصادی مشترکی دارند.

نکته مهم و پایه‌ای در این بحث این است که روابط هم‌خانگی رقیب جدی نهاد ازدواج است و خود را در قامت ازدواج غیررسمی باز می‌نمایند. این نوع رابطه غیراخلاقی، الگویی از رابطه است که بسیاری از تعدها و شرایط ازدواج را دارد، اما از قوانین، سنت‌ها و محدودیت‌های آن گریزان است. همان‌طور که گفته شد، این پدیده به کشور ما نیز وارد شده و صد افسوس که با گسترش یافتن نمادهای سبک زندگی غربی در جامعه، هم‌خانگی نیز در میان برخی از افراد شایع شده است. نتایج تحقیقات میدانی انجام شده نشان می‌دهد که با افزایش روابط جنسی پیش از ازدواج در سال‌های اخیر، بتدریج شاخه‌هایی از هم‌خانگی در داخل کشور شکل گرفته است. البته همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، این مسئله بیشتر متأثر از افزایش گرایش به زندگی مجردی است تا اموری دیگر.

۳. جهانی شدن؛ نیرومندساز روابط هم‌خانگی

تحلیل نتایج به دست آمده از پژوهش‌های که در رابطه با پدیده هم‌خانگی در تهران صورت گرفته، حکایت از آن دارد که در بروز و شکل‌گیری الگوهای جدید روابط جنسی، نظیر الگوی هم‌خانگی، عوامل گوناگونی دخیل است. در واقع با توجه به شناخت عوامل مؤثر در شکل‌گیری روابط هم‌خانگی، می‌توان عواملی نظیر جهانی شدن، تغییرات اقتصادی، تغییرات فرهنگی و تغییرات خانواده را مؤثر دانست. جهانی شدن، یا کوچک‌سازی جهان و ایجاد دهکده جهانی، تحولات مناطق گوناگون جهان را به سرعت به سایر نقاط منتقل کرده است. تحولی که زمانی

در دهه ۱۹۶۰ از اروپا و آمریکای شمالی شروع شده بود، در فرایند گسترش تاریخی‌اش، امروزه به آمریکای جنوبی و حتی آسیا نیز رسیده است؛ تحولاتی که کشور ایران نیز از پس‌لرزه‌های آن در امان نمانده است. فرآیند جهانی شدن در جنبه‌های گوناگون اقتصادی، فرهنگی، و تکنولوژیکی خود به تدریج و در طول سالیان اخیر زمینه‌های بروز انواع تغییرات اجتماعی را در حوزه خانواده در جامعه ایرانی ایجاد کرده است: تغییراتی چون افزایش سن ازدواج، افزایش زندگی مجردی، افزایش طلاق، افزایش شکاف بین نسل‌ها و همچنین افزایش ورود دختران به عرصه‌های دانشگاهی و محیط کار و سپس تسهیل روابط دختر و پسر. نتیجه این دگرگونی‌ها و فرایندهای جامعه‌پذیری جهانی سبب شده است که رابطه‌های جنسی پیش از ازدواج در ایران گسترش یابد؛ رابطه‌هایی که بتدریج با افزایش یافتن، متکثر و متنوع نیز شده‌اند. تنوعی از تغییرات که هم‌خانگی نیز یکی از محصولات آن بوده است.

پی‌نوشت:

- ۱- پایگاه خبری تابناک به نقل از مجید ابهری، مدیر کل فرهنگی سازمان ملی جوانان؛ همچنین تبیان به تاریخ ۹۲/۶/۱۶.
- ۲- آمار ارائه شده توسط محمد تقی حسن زاده رئیس مرکز مطالعات ورزش و جوانان در تاریخ ۱۸ آذر ۱۳۹۲ در جمع خبرنگاران (روزنامه اطلاعات؛ ۱۹ آذر ۱۳۹۲).
- ۳- رجا نیوز، ۱۳۸۹/۱/۲۸ کد خبر: ۴۸۲۶۹.
- ۴- آزاد از مکی، تقی و همکاران، هم‌خانگی، پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران، جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال سوم، شماره اول، ص ۴۳.
- ۵- همان.
- ۶- همان.